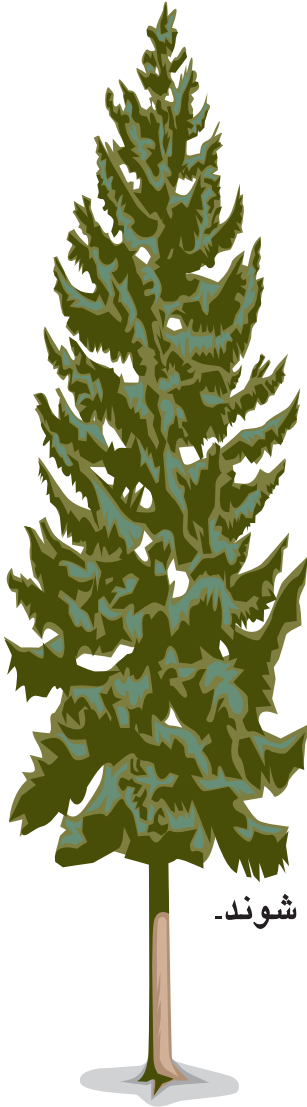




(الف)

این باغ است - این باغ بزرگ است.

باغ درخت ها دارد - درخت سرو بلند و زیبا است.

باغ گل ها دارد - گل سرخ قشنگ است.

آن مرد باغبان است - اسم او رستم است.

رستم در باغ مشغول کار می باشد.

رستم همه باغ را نگاه دارد.

او سبزی می کارد - او گل ها می کارد.

باغ به وقت صبح باز می شود.

بچه ها در باغ به صد شوق می آیند.

(ب)

بچه ها در باغ بازی می کنند - ایشان شاد می شوند.

پرنده ها بر درخت می نشینند - چهار پرنده می پرند.

آن زن فرح است - فرح میوه می فروشد.

بچه ها میوه می خرنند - ایشان میوه می خورند و شاد می شوند.

یکی از بچه ها بر زمین افتاد - اسم او احمد است.

برادر احمد در باغ نیامد - زیرا او ناخوش است.

آن مرد اکبر است - اکبر بالون می فروشد.

بالون ها زرد و سرخ و سبز و سفید اند.

Happy	شاد	Cypress (tree)	سرو
Fruit	میوه	Beautiful	قشنگ
Unwell, sick	ناخوش	Busy	مشغول
Balloon	بالون	Cultivates, sows (to sow)	کارد
		To take care	نگاه دادن
		To be engaged in work	مشغول کار باشیدن

(A) Answer the following questions:

(الف) مندرجہ ذیل جملوں کے جواب دیجیے:



این زاغ و لائے زاغ است۔



آن زاغ است۔

- ۱۔ این چیست؟ (چه + است = چیست)
- ۲۔ باغ چطور است؟
- ۳۔ باغ چه چیزها دارد؟
- ۴۔ درخت سرو چطور است؟
- ۵۔ گل چطور است؟
- ۶۔ آن مرد کیست؟ (کہ + است = کیست)
- ۷۔ اسم باغبان چیست؟
- ۸۔ رستم کجا کار می کند؟
- ۹۔ او چه کارها می کند؟
- ۱۰۔ باغ کی وای شود؟
- ۱۱۔ کہ در باغ بصد شوق می آیند؟

(B) Answer the following questions:

(ب) مندرجہ ذیل جملوں کے جواب دیجیے:

- ۱۔ بچہ ہا در باغ چه می کنند؟
- ۲۔ پرندہ ہا کجا می نشینند؟
- ۳۔ چند پرندہ ہا می پرند؟
- ۴۔ آن زن کیست؟
- ۵۔ فرح در باغ چه می کند؟
- ۶۔ بچہ ہا چه می خورند؟
- ۷۔ کہ در باغ افتاد؟
- ۸۔ برادر احمد در باغ چرا نیامد؟
- ۹۔ اکبر چه می فروشد؟
- ۱۰۔ رنگ بالون ہا چطور است؟

(C)

(ج)

1. Write down in your notebook the sentences beginning with این ، آن in this lesson.

۱۔ اس سبق میں 'آن' ، 'این' سے شروع ہونے والے جملوں کو علیحدہ علیحدہ اپنی کاپی میں لکھیے۔

2. Write down the infinitives of these present stem.

۲۔ مندرجہ ذیل امر کے مصادر لکھیے۔

کن ، آئی ، پر ، فروش ، نشین

3. Write down five sentences on "a visit to a garden".

۳۔ سیر باغ ؛ اس عنوان پر پانچ جملے بنائیے۔

ضمائر اضافی Possessive Pronouns

Pronouns which indicate possession are called **ضمائر اضافی** (Possessive pronouns). These personal pronouns may be written or expressed in conjunctive form or disjunctive form, as **کتابِ او** (his book) and **کتابش** (his book), **کتابِ من** (my book) and **کتابم** (my book). Study the following:

ضمائر اضافی وہ ضمیریں ہیں جو ملکیت ظاہر کرنے کے لیے استعمال ہوتی ہیں۔ یہ اسم کے ساتھ مل جاتی ہیں جیسے کتابِ من سے

کتابم اور کتابِ او سے کتابش۔ ذیل کے خاکہ کا مطالعہ کیجیے :

	Conjunctive Personal Pronoun	Disjunctive Personal Pronoun	Possessive Forms	Personal Pronoun
My heart	دِلَم	دِلِ من	م	من
Our heart	دِلِمان	دِلِ ما	مان	ما
Your heart	دِلت	دِلِ تو	ت	تو
Your heart	دِلتان	دِلِ شما	تان	شما
Her/his heart	دِلش	دِلِ او	ش	او
Their heart	دِلشان	دِلِ ایشان	شان	ایشان

پرسش

Fill in the blanks as shown above:

درج بالا مثالوں کے مطابق خالی جگہ پُر کیجیے :

Conjunctive Possessive form	Disjunctive Possessive form	Conjunctive Possessive form	Disjunctive Possessive form
.....	کارِ من		باغِ من
.....	کارِ ما		باغِ ما
.....	کارِ تو		باغِ تو
.....	کارِ شما		باغِ شما
.....	کارِ او		باغِ او
.....	کارِ ایشان		باغِ ایشان

❖ Study the following sentences and note the use of Personal Pronouns.

This is my mother.	(مادرِ من - مادرم)	این مادرِ من است.
My Mother works at home.		مادرم در خانه کار می کند.
Our school is big.	(مدرسهٔ ما - مدرسه مان)	مدرسهٔ ما بزرگ است.
Our school is big.		مدرسه مان بزرگ است.
That is your brother.	(برادرِ تو - برادرت)	آن برادرِ تو است.
Your brother is playing.		برادرت بازی می کند.
That is your garden.	(باغِ شما - باغِ تان)	آن باغِ شما است.
Your garden is large.		باغِ تان بزرگ است.
Adam held his book.	(کتابِ او - کتابش)	آدم کتابِ او گرفت.
Adam took his book to his house.		او کتابش را به خانهٔ خود برد.
Their language is Persian.	(زبانِ ایشان - زبانِ شان)	زبانِ ایشان فارسی است.
Their language is very sweet.		زبانِ شان خیلی شیرین است.

Objective Pronouns ضمایر مفعولی

When pronouns are related to the object, they are called Objective Pronouns. In one of the above passage sentences کتابِ او را is used which means او را. Here او را is related to the object کتاب hence it is an objective pronoun.

Now study the following sentences:

I gave him a book.	من او را کتاب دادم
The teacher gave them books.	آموزگار ایشان را کتاب داد.

- In objective pronouns را is added to the object as shown above.

Ahmed gave you a book.	احمد ترا (تو را) کتاب داد.
Naheed gave you water.	ناهید شما را آب داد.
Give me the book.	کتاب مرا بده.
Hasan told us.	حسن ما را گفت.